

بخش دوم

**بررسی درس های کتاب
زبان فارسی (۲)**

زبان و گفتار

اهداف کلی

- ۱- شناخت دو پدیده‌ی زبان و گفتار.
- ۲- درک تمایز کلی زبان و گفتار.
- ۳- شناخت نمودآوایی و نمود حرکتی.

اهداف جزئی

- ۱- دانش‌آموز بتواند تشخیص دهد که زبان (Langue) و گفتار (parole) دو موضوع جدا از هم هستند.
- ۲- بتواند بگوید که زبان یکی از توانایی‌های ذهن انسان است در حالی که گفتار نمود آوایی این توانایی است.
- ۳- دانش‌آموز بتواند فواید تمایز میان زبان و گفتار را بیان کند.
- ۴- بتواند بگوید که گوناگونی‌های سبکی و لهجه‌ای و حتی گویشی به یگانگی زبان آسیب نمی‌رسانند.
- ۵- بتواند بگوید که علت گوناگونی‌های سبکی و لهجه‌ای و گویشی به گفتار مربوط است نه به زبان.

منابع

- زبان، اندیشه و فرهنگ (مجموعه‌ی مقالات) ترجمه و تألیف یدالله موقن – انتشارات هرمس – چاپ اول – تهران ۱۳۷۸
- درباره‌ی زبان : دکتر محمد رضا باطنی – انتشارات آگاه چاپ اول ۱۳۶۹ – تهران
- مقدمات زبان‌شناسی : دکتر مهری باقری – دانشگاه پیام نور ۱۳۷۳
- زبان و تفکر : دکتر محمد رضا باطنی – نشر فرهنگ معاصر – چاپ اول – تهران ۱۳۶۹

– پیرامون زبان و زبان‌شناسی: دکتر محمد رضا باطنی. نشر فرهنگ معاصر – چاپ اول –
تهران ۱۳۷۱

– زبان و ذهن: نوام چامسکی – ترجمه‌ی کورش صفوی – انتشارات هرمس – ۱۳۷۷

روش‌های تدریس پیشنهادی

۱- الگوی پیش‌سازمان‌دهنده

۲- الگوی دریافت مفهوم

۳- روش بحث گروهی و پرسش و پاسخ

نکات اساسی درس اول

- تمایز زبان و گفتار از دیدگاه فردینان دوسوسور، پدر زبان‌شناسی نوین
- اثبات موضوع برخوردار بودن کر و لال‌ها از توانش زبانی.
- بیان چگونگی اجتماعی بودن زبان و یک پارچگی بخشیدن آن به گفتار سخن‌گویان جامعه.

□ زبان و گفتار از یکدیگر جدا هستند

با توجه به محتوای درس اول ناگزیر به بیان پاره‌ای دیدگاه‌های زبان‌شناسان پرداخته و سپس مضمون کلی اهداف درس را شرح و بسط می‌دهیم.

از نخستین روزهایی که زبان‌شناسی رنگ علمی به خود گرفت، این فکر نیز به وجود آمد که زبان و گفتار دو چیز متفاوتند و در بحث‌های علمی باید بین آن‌ها تمایز گذاشت. زبان عبارت است از واژگان و مجموعه‌ی قواعدی که دستور زبان نامیده می‌شود. در مغز یا حافظه‌ی فرد جای دارد و اما گفتار یعنی استفاده کردن از این دانش ذهنی. بنابراین، وجود گفتار به وجود زبان بستگی دارد در حالی که زبان می‌تواند مستقل از گفتار وجود داشته باشد. اگر بر اثر حادثه‌ای، اندام‌های گفتار کسی آسیب ببینند، شخص دیگر نمی‌تواند صحبت کند، اما می‌تواند از نوشتار یا الفبای مورس یا هر نوع نظام رایج یا «من در آوردی» دیگر که نیازی به کاربرد اندام‌های صوتی نداشته باشد، استفاده کند و زبان خود را از قوه به فعل آورد. نخستین زبان‌شناسی که این تمایز را باز شناخت و یا لااقل بر آن بسیار تکیه کرد، فردینان دوسوسور، زبان‌شناس اهل ژنو بود که از او به عنوان پدر زبان‌شناسی جدید نام می‌برند. او در کتاب «دوره‌ای در زبان‌شناسی عمومی»، مکرر به تمایز بین زبان (Langue) و گفتار

(parole) اشاره می‌کند و می‌گوید: «... زبان چیزی آن چنان متمایز از گفتار است که اگر کسی از قدرت تکلم محروم شود، به شرط آن که فهم آوایی خود را از دست نداده باشد، همچنان صاحب زبان باقی خواهد ماند...»

□ دکتر باطنی در کتاب «درباره‌ی زبان» می‌نویسد: ^۱ «صرف نظر از قول زبان شناسان، موردی که به صراحت و فراسوی هر نوع تردیدی نشان می‌دهد که زبان می‌تواند مستقل از گفتار وجود داشته باشد؛ مورد ناشنویان است. ناشنویان مادرزاد و آن‌هایی که قبل از یادگیری زبان، به‌علل مختلف شنوایی خود را از دست داده باشند از گفتن و شنیدن به معنی عادی کلمه محروم می‌شوند؛ با این همه، می‌توانند زبان داشته باشند، حال آن که این زبان ممکن است یک زبان اشاره‌ای خود ساخته، یا یک نظام اشاره‌ای استاندارد شده مانند زبان اشاره‌ای آمریکایی باشد؛ حتی وقتی نیز که زبان جامعه‌ی خود را می‌آموزند، این کار را از بینایی؛ یعنی از طریق لب خوانی و هجی کردن انگشتی یاد می‌گیرند ولی جای تردید نیست که این ناشنویان حتی اکثریت عظیم آن‌ها که هرگز آموزش لازم را برای یادگیری بصری زبان جامعه‌ی خود پیدا نمی‌کنند، صاحب زبان هستند.

می‌توان رابطه‌ی بین زبان و گفتار را به رابطه‌ی بین صورت تصنیف شده‌ی یک سمفونی و اجراهای مختلف و متعدد آن تشبیه کرد که همه از ساخت ثابت آن تصنیف سرچشمه می‌گیرند ولی با آن یکسان نیستند؛ هر اجرا وجودی صوتی دارد که کم یا زیاد نسبت به تصنیف انحراف پیدا می‌کند؛ حاوی تنوعات و حتی اشتباهاتی است و نشان دهنده‌ی تعبیری خاص از آن تصنیف است. تمایز مهم بین زبان و گفتار از این جا ناشی می‌شود که زبان توانایی گوینده و شنونده برای تولید و درک جملات است در حالی که گفتار کاربرد عملی این توانایی، هنگام گفتن و فهمیدن جملات است.»

□ زبان یک دستگاه و نظام ذهنی و انتزاعی است که کاملاً دور از دخل و تصرف فرد است. اما گفتار پدیده‌ای است جزئی و عینی.

هر بار که شخص سخن می‌گوید یا می‌نویسد بخشی از نظام کلی و ذهنی در زبان را به کار می‌برد که جنبه‌ی عینی و فیزیکی دارد. همین جنبه‌ی عینی و عملی زبان است که «گفتار» خوانده می‌شود. لذا «گفتار» جریان زنده‌ی «زبان» است که اختصاصی و شخصی است. گفتار هر کس ویژگی‌های مخصوص به خود دارد و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. به طوری که سبک و شیوه‌ی «گفتار» هر کس مخصوص به خود اوست و سخن و گفتار هیچ دو نفر — که از یک زبان واحد استفاده می‌کنند — ضرورتاً یکسان نیست. بدین ترتیب زبان یک پدیده‌ی کلی و ذهنی است در حالی که گفتار

۱- صفحه‌ی ۲۹ کتاب «درباره‌ی زبان».

یک واقعیت جزئی و عینی می‌باشد. به عبارت دیگر، زبان که وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و پیام‌رسانی و تفهیم و تفاهم تعریف شده است تا زمانی که به صورت یک مجموعه و دستگاه انتزاعی و ذهنی است نمی‌تواند پیامی برساند و یا ارتباطی برقرار نماید؛ زیرا امری ذهنی و روانی است که عینیت و تظاهری ندارد تا برای طرف مقابل، قابل حس باشد و برای این که از دستگاه ذهنی برای برقراری ارتباط بین چند فرد استفاده شود باید به آن صورت عینی و محسوس بخشید؛ پس گفتار صورت فیزیکی و عینی زبان است.

فرق میان دستگاه زبان و «گفتار» را می‌توان با فرق میان دستگاه «رمز» و «پیام» مقایسه کرد؛ زیرا در مخابره‌ی هر پیام تنها بخشی و جزئی از دستگاه رمز به کار برده می‌شود.

«مقدمت زبان‌شناسی، دکتر مهری باقری»

□ زبان و گفتار: تمایز میان زبان و گفتار به منظور رفع هر گونه ابهام از به کار بردن واژه‌ی «زبان» و مشخص کردن مفهوم آن است. سوسور در اصل به سه مفهوم توانایی گویایی، زبان و گفتار اشاره می‌کند و زبان و گفتار را دو جنبه‌ی توانایی زبان می‌داند. منظور از توانایی گویایی همان استعداد سخن گفتن است که همه‌ی افراد عادی به طور طبیعی دارا هستند.

از این رو، زبان از یک سو بر پایه‌ی توانایی گویایی استوار است و از سوی دیگر محصول مجموعه‌ای از قراردادهای ضروری است که یک گروه اجتماعی پذیرفته‌اند. در واقع، همین قراردادهای زبانی است که به سخن‌گویان امکان می‌دهد توانایی مذکور را به کار ببندند. بنابراین، همه‌ی سخن‌گویان یک جامعه‌ی زبانی، زبان خاصی را به طور مشترک دارا هستند که بر پایه‌ی آن با یکدیگر سخن می‌گویند. آنچه سخن‌گویان می‌گویند نمونه‌های گفتار است که زبان‌شناس از آن‌ها به عنوان شواهدی برای تشخیص و بررسی جنبه‌های گوناگون پدیده‌ی مشترک زبان استفاده می‌کند. بر این پایه روشن است که گفتار پدیده‌ای مادی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی است؛ یعنی، هم به فرد سخن‌گو و هم به قراردادهای اجتماعی زبان مربوط است. با این حال، از میان عوامل گوناگون که در گفتار مؤثر است، زبان عمده‌ترین عامل به شمار می‌رود. در واقع زبان به گفتار سخن‌گویان یک جامعه، یک پارچگی می‌بخشد، هر چند که زبان در هر جامعه‌ی زبانی، گونه‌های متفاوتی را شامل می‌گردد. تمایز میان زبان و گفتار موجب می‌شود که آنچه اجتماعی و در عین حال ضروری و اصلی است از آنچه فردی و ثانوی است متمایز شود.

زبان محصول جامعه است که هر فرد سخن‌گو به طور طبیعی آن را فرا می‌گیرد، در حالی که گفتار کنشی فردی است که با به کارگیری آن هر فرد سخن‌گو می‌کوشد اندیشه‌ی خود را بیان نماید.

به علاوه، اصل مهم دیگری که از ویژگی اجتماعی بودن زبان ناشی می‌شود این است که هیچ یک از سخن‌گویان نمی‌تواند بنا به خواست خود در آن تغییر ایجاد کند. بنابر مطلب بالا، زبان به عنوان نظامی از نشانه‌ها و قراردادهای اجتماعی، پدیده‌ای یک پارچه و همگون است که میان سخن‌گویان یک جامعه استوار شده است. نشانه‌های زبانی، مفاهیم را به صورت‌های آوایی پیوند می‌دهند و هر دو بخش یاد شده یعنی مفهوم و صورت آوایی در اصل پدیده‌هایی روان‌شناختی است.

به عقیده‌ی سوسور، زبان نظامی از نشانه‌هاست که بیانگر مفاهیم است و از این رو با نظام‌های نشانه‌ای دیگر قابل مقایسه می‌باشد هر چند که در عین حال با همه‌ی آن‌ها متفاوت است. روشن است که زبان و گفتار به یکدیگر وابسته‌اند و هر یک به دیگری متکی است. کودکان زبان را از راه شنیدن گفتار محیط خود، فرا می‌گیرند. به علاوه، سرانجام، زبان از راه گفتار تغییر می‌یابد یعنی، زبان هم ابزار اصلی گفتار و هم محصول آن است. با این حال، پیوند بسیار نزدیک زبان و گفتار مانع از درک این واقعیت نمی‌شود که آن‌ها دو چیز کاملاً متمایز و جدا از یکدیگر می‌باشند.

سوسور برای روشن‌تر کردن تمایز میان زبان و گفتار و نیز توضیح این حقیقت که به کارگیری صورت‌های آوایی به هیچ وجه بر خود نظام مؤثر نیست، تشبیه‌های گوناگونی ارائه می‌دهد. از جمله تشبیه زبان به آهنگ که پیش‌تر ذکر شد و نتیجه می‌گیرد که سخن‌گویان هم مثل نوازندگان دچار اشتباه می‌شوند و گاهی نیز اشتباه‌گفتاری خود را تصحیح می‌کنند، و همین امر نشان می‌دهد که آنان به طور ناخودآگاه به تمایز زبان و گفتار و نیز استواری و یک پارچگی زبان آگاهند.

❖ ضرورت بررسی زبان از دیدگاه فردریک نیومایر در کتاب «جنبه‌های سیاسی زبان‌شناسی»

ما عمدتاً به وسیله‌ی زبان ارتباط برقرار می‌کنیم، به کمک زبان تفکر و استدلال می‌نماییم و با بیانی خلاق، زبان را بر تن تخیل خود می‌پوشانیم. ساعت خواب ما نیز به اندازه‌ی ساعات بیداری‌مان تحت تأثیر زبان است. حتی رؤیاهای ما نیز به وسیله‌ی زبان منتقل می‌گردد.

از این رو جای تعجب نیست که منتقدان ادبی، فلاسفه و روان‌شناسان رشد، همگی تجزیه و تحلیل زبان را سرآغاز کار خود قرار داده‌اند و صنعت کامپیوتر نیز، مهم‌ترین هدف خود را در دهه‌ی اخیر، تهیه‌ی برنامه‌ای بر مبنای الگوهای زبان بشری قرار داده است.

«ترجمه‌ی اسماعیل فقیه، نشر نی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸، ص ۹»

خلاصه‌ی درس اول

- زبان و گفتار دو پدیده‌ی جدا از هم هستند.
- گفتار پدیده‌ی مادی، فیزیولوژیایی و روان شناختی است.
- با محروم شدن فرد از قدرت تکلم، فهم آوایی از میان نمی‌رود.
- زبان توانایی تولید و درک جملات است؛ گفتار کاربرد عملی این توانایی است.

خلاصه‌ی بیاموزیم

(در زبان فارسی نباید به پیروی از زبان عربی، کلمات فارسی را با... یّت (یّة) همراه کنیم؛ بنابراین به کاربردن کلماتی مانند خوبیّت، رهبریّت، آشنائیّت، منیّت، دوئیّت، شهرتیّت، برتریّت و... صحیح نیست. اما کلماتی مانند بشریّت، مدیریّت، انسانیّت و... چون عربی هستند، اشکالی ندارد.

❖ پاسخ خودآزمایی‌های درس اول

- ۱- باتوجه به متن درس می‌توان گفت که توانش زبانی ثابت و غیر قابل تغییر است و هیچ‌گونه خطا و اشتباه در آن اتفاق نمی‌افتد بلکه خطا و اشتباه در گفتار رخ می‌دهد. قواعد شطرنج نیز مثل توانش زبانی ثابت و غیر قابل تغییر است اما خود بازی شطرنج مانند گفتار است که امکان خطا و اشتباه در آن بسیار است.
- ۲- افرادی که از قدرت گفتار محروم‌اند وقتی که می‌خواهند از زبان استفاده کنند، به جای کمک گرفتن از نمود آوایی زبان (گفتار) از نمود حرکتی استفاده می‌کنند یا رفتارهای غیر زبانی از خود نشان می‌دهند.
- ۳- تمایز زبان و گفتار به ما کمک می‌کند تا بدانیم که خطا و اشتباه فقط در گفتار رخ می‌دهد، افراد کر و لال نیز از توانایی ذهنی زبان برخوردارند و به هنگام استفاده از آن از نمود حرکتی کمک می‌گیرند و در نهایت این که گوناگونی‌های لهجه‌ای و گویشی آسیبی به زبان وارد نمی‌سازد.
- ۴- ... زیرا این کلمات فارسی هستند و به کاربردن کلمات فارسی به همراه «یّت» صحیح نیست. بهتر است این کلمات را این‌گونه به کار بریم: آشنا بودن (شدن)، من گفتن (داشتن) یا مغرور بودن، ایرانی بودن...

* خودآزمایی‌های نمونه

- ۱- کدام عبارت نادرست است؟
 - الف) کودک زبان را از راه شنیدن گفتار محیط خود فرا می‌گیرد.
 - ب) زبان و گفتار به یکدیگر وابسته‌اند و هر یک به دیگری متکی است.
 - ج) زبان مثل جدول ضرب است و گفتار مثل عمل ضرب.
 - د) اشتباه در سخن گفتن نشان می‌دهد که تمایزی میان گفتار و زبان وجود ندارد.
- ۲- جاهای خالی عبارات زیر را پر کنید :
 - الف) وقتی سکوت می‌کنیم، باز هم از توانایی برخورداریم.
 - ب) زبان محصول است که هر فرد سخن‌گو به طور طبیعی آن را فرا می‌گیرد.
 - پ) گفتار فقط نمود زبان است.
 - ت) به کار بردن کلماتی مانند خویبت و برتریت. . . . است.
- ۳- آیا گوناگونی‌های سبکی و لهجه‌ای و گویشی به یگانگی زبان آسیب می‌رسانند؟
- ۴- کدام یک از جملات زیر درست و کدام نادرست است؟
 - اشتباه و خطا در گفتار رخ می‌دهد و رفع و اصلاح آن به وسیله‌ی زبان صورت می‌گیرد.
 - گویش‌ها از نظر قواعد دستوری و نوع کلمات با هم فرق ندارند.
 - گوناگونی‌های لهجه‌ای و گویشی و سبکی عمدتاً به گفتار مربوط می‌شوند نه به زبان.
 - مربوط بودن گوناگونی‌های گویشی به گفتار، صددرصد صادق است.
- ۵- آیا خط و نوشتار هم مثل گفتار در معرض خطا و اشتباه یا تنوع و گوناگونی است یا مثل زبان، از خطا و تنوع به دور است؟
- ۶- چه فرقی بین زبان و گفتار وجود دارد؟ آیا هر دوی آن‌ها جنبه‌ی عینی و محسوس دارند؟

جمله

اهداف کلی

- ۱- آشنایی دانش‌آموز با جمله و ساختار کلی آن.
- ۲- شناسایی نهاد و گزاره و تشخیص گونه‌های دوگانه‌ی نهاد.
- ۳- درک چگونگی مطابقت نهاد جدا و پیوسته در جمله‌ها.

اهداف جزئی

- ۱- دانش‌آموز بتواند در یک متن، حدود هر جمله را تعیین کند.
- ۲- بتواند نهاد و گزاره را در نمودار نشان دهد.
- ۳- بتواند در هر جمله نهاد جدا را از نهاد پیوسته مشخص نماید.
- ۵- استثناهای نهاد جدا با شناسه را در جمله تعیین کند.
- ۶- مطابقت نهاد جمله را با فعل آن رعایت کند.
- ۷- در ترکیب‌های وصفی مختوم به «ای = i»، یا ی نکره را درست به کار برد.
- ۸- تمرین‌ها و خودآزمایی‌های درس را به درستی انجام دهد.

منابع

– دستور زبان فارسی : دکتر مهدی مشکوة‌الدینی – دانشگاه فردوسی مشهد – چاپ سوم –

۱۳۷۳

– آموزش زبان فارسی : دکتر مهدی مشکوة‌الدینی – اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های

درسی – سال چاپ ۷۷

– دستور زبان فارسی (۱) : دکتر وحیدیان – عمرانی – نشر سمت – تهران ۱۳۷۹

روش‌های تدریس پیشنهادی

- الگوی پیش‌سازمان‌دهنده
- الگوی بحث گروهی
- الگوی همیاری

نکات اساسی درس دوم

- بیان تعریف‌های گوناگون جمله.
- طرح شناسایی نهاد و گزاره.
- گونه‌های دوگانه‌ی نهاد.
- توضیح چگونگی تفاوت‌های نهاد جدا با فعل در جمله‌های استثنایی.
- بیان چگونگی مطابقت نهاد جمله با فعل آن.

□ جمله چیست؟

- به تعریف‌هایی که دست‌نویسان از دیدگاه‌های متنوع، ارائه داده‌اند توجه می‌کنیم:
- جمله کوچک‌ترین واحد کلام است که مفید معنی کامل باشد و آن مرکب است از مسندالیه و مسند و رابطه یا فعل.
 - جمله مجموعه‌ی کلماتی است که مقصودی را می‌رساند و به عبارت دیگر مجموعه‌ی کلماتی است که متضمن اسناد باشد؛ بنابراین در هر جمله‌ای دست کم باید سه کلمه باشد؛ مسندالیه، مسند، رابطه، و آن را جمله‌ی اسمی گویند.
 - مثال: هوا روشن است.
 - ولی گاهی یک کلمه یعنی فعل جای مسند و رابطه را می‌گیرد و جمله از دو کلمه یعنی فعل و فاعل تشکیل می‌یابد و آن را جمله‌ی فعلی نامند. مانند: بهرام می‌آید.
 - جمله یک یا مجموع چند کلمه است که بر روی هم پیام کاملی را از گوینده به شنونده برساند.
 - مجموعه‌ای از کلمات که دارای معنی مستقل و تمام باشد جمله نامیده می‌شود. این مجموعه شامل دو قسمت است: نهاد و گزاره.
 - جمله سخنی است که حداقل دارای دو جزء باشد: نهاد، گزاره.
 - جمله یک یا چند کلمه که دارای مفهوم کاملی باشد و سکوت گوینده و شنونده پس از آن درست باشد، جمله‌ی کامل نامیده می‌شود. مانند: بیا (که با وجود آن که یک کلمه است، مفهوم کاملی

را بیان می‌کند.)

□ جمله عمده‌ترین واحد نحوی است.

□ هر گاه چند کلمه با یکدیگر مرکب شوند و میان آن‌ها اسناد باشد، آن را جمله (گفتار) می‌نامند و در صورتی که جمله برای شنونده مفید باشد و اگر گوینده خاموش شود شنونده در انتظار نماند آن را کلام و سخن یا جمله‌ی تام نامند.

* در مقابل جمله‌ی کامل، جمله‌ی ناقص وجود دارد و آن جمله‌ای است که با وجود داشتن فعل، مفهوم کاملی را به شنونده تلقین نمی‌کند و شنونده احساس می‌کند که چیزی از آغاز یا آخر جمله حذف شده است؛ مثلاً اگر به کسی بگوییم: «اگر او بیاید»، شنونده منتظر است که بقیه‌ی گفتار ما را بشنود؛ یعنی جمله‌ی ناقصی شنیده است که چیزی از آخر آن حذف شده و اگر به کسی بگوییم که «او را دیده‌ام»، احساس می‌کند چیزی از آغاز این جمله حذف شده است.

گفتیم که جمله سخنی است که حداقل دارای دو جزء اصلی باشد: نهاد و گزاره.

● نهاد چیست؟^۱

- نهاد: کسی یا چیزی یا مفهومی است که کاری یا حالتی به آن نسبت داده می‌شود.
- نهاد: کلمه یا گروهی از کلمات است که در ساختمان جمله همراه گزاره می‌آید و انجام یافتن مفهوم گزاره را عملی می‌کند، یعنی موجب عملی شدن مفهوم گزاره می‌شود: مانند: من رفتم، برادر سهراب رفت. سارا رفت. سارا: نهاد، / رفت: گزاره یا اسناد.
- هوا روشن شده است. هوا: نهاد/ روشن شده است: گزاره یا اسناد.

● گزاره چیست؟

- گزاره قسمتی از جمله است که حکمی را درباره‌ی نهاد بیان می‌کند؛ یعنی کاری یا حالتی را به آن نسبت می‌دهد.
- گزاره که هسته‌ی جمله است، کلمه یا گروهی از کلمات است که گوینده به وسیله‌ی آن مطلب اصلی خود را بیان می‌دارد. هسته‌ی گزاره معمولاً فعل یا گروه فعلی است: علی رفت. علی از حال رفت.

● گونه‌های دوگانه‌ی نهاد

۱- نهاد جدا

۱- دستور زبان فارسی (۱) - دکتر وحیدیان و عمرانی.

۲- نهاد پیوسته

○ نهاد جدا: گروه اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می‌آید و اغلب می‌توان آن را حذف کرد.

مثال: ما به نیک اندیشی و راستگویی خویش می‌بالیم.

○ نهاد پیوسته: همان شناسه است که شخص و شمار فعل را تعیین می‌کند و قابل حذف نیست.

مثال: شما پیروز و بهروز باشید. شما : نهاد جدا (قابل حذف)، ید در باشید : نهاد پیوسته و غیرقابل حذف.

دانشمندان از اختراعات و اکتشافات خود استفاده می‌کنند. دانشمندان : نهاد جدا، ند در استفاده می‌کنند : نهاد پیوسته.

گاه بین نهاد جدا و نهاد پیوسته مطابقت دیده نمی‌شود، در جملات بالا بین نهاد جدا و پیوسته از نظر شخص و شمار هم‌آهنگی وجود دارد.

● در جمله‌های زیر: بین نهاد جدا و پیوسته مطابقت وجود ندارد.

□ مثال برای نهاد غیر جاندار: همین نهال‌های کوچک روزی میوه خواهد داد. همین نهال‌های کوچک : نهاد جدا، «د» در خواهد داد : نهاد پیوسته.

□ مثال برای فعل مفرد یا جمع برای اسم مبهم (هر یک، هیچ کدام، هیچ یک...):

هر یک از شاعران نامدار ایران مثل ستاره‌ای در آسمان ادب فارسی می‌درخشند.

□ برای احترام می‌توانیم نهاد مفرد را با شناسه‌ی جمع بیاوریم. مانند:

پیامبر اکرم دشمنان شکست خورده را بخشیدند.

استاد علی اکبر دهخدا، در کار تحقیق امثال و حکم فارسی، موفق‌ترین پژوهشگر هستند.

□ چند مثال برای ایجاد مهارت در رعایت مطابقت نهاد جمله با فعل آن:

تو و رضا رفتید.

رضا با تو رفت.

اگر به جای «و» «با» بیاید، فعل با کلمه‌ی پیش از با مطابقت می‌کند؛ زیرا آن چه پس از «با» می‌آید، جزء نهاد نیست.

من با او می‌روم یا او با شما می‌رود.

اگر «من» یا «ما» همراه شخص دیگری، نهاد قرار گیرد، فعل به صورت اول شخص جمع می‌آید.

من و تو می‌رویم.	مریم و ما می‌رویم.
تو و من می‌رویم.	فاطمه و من می‌رویم.
من و احمد می‌رویم.	ما و شما می‌رویم.

اگر «تو» یا «شما» همراه شخص دیگری، جز «من» و «ما»، نهاد قرار گیرد فعل به صورت دوم شخص جمع می‌آید.

شما می‌روید.	تو و آن‌ها می‌روید.
شما و او می‌روید.	تو و او می‌روید.
او و تو می‌روید.	تو و ایشان می‌روید.

خلاصه‌ی درس دوم

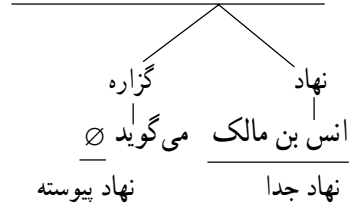
- جمله واحدی از زبان است که از یک یا چند گروه ساخته شده و از نهاد و گزاره تشکیل شده است.
- نهاد جدا در ابتدای جمله می‌آید و قابل حذف است.
- نهاد پیوسته همان شناسه است که قابل حذف نیست.
- اصل این است که نهاد جدا، با شناسه مطابقت کند اما استثنا هم دارد.
- در حالت عادی بین نهاد جدا و پیوسته‌ی جمله‌ها از نظر شخص و شمار هم‌آهنگی وجود دارد.

خلاصه‌ی بیاموزیم

- هر گاه در ترکیب وصفی، صفت مختوم به ای = ی باشد، بهتر است «ی نکره» را به آخر موصوف اضافه کنیم:
- مرد جنگی + ای/ی ← مردی جنگی
 حکیم نامی + ای/ی ← حکیمی نامی
 عکس رنگی + ای/ی ← عکسی رنگی
- جز این می‌توانیم صفت دیگری که مختوم به ای / ی نباشد، بیاوریم و «ی نکره» را به آخر آن بیفزاییم.
- دوست گرامی ← دوست گرامی و محترمی.
 عکس رنگی ← عکس رنگی و مناسبی.

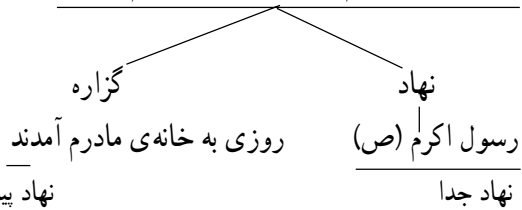
❖ پاسخ خودآزمایی‌های درس دوم

۱- انس بن مالک می‌گوید



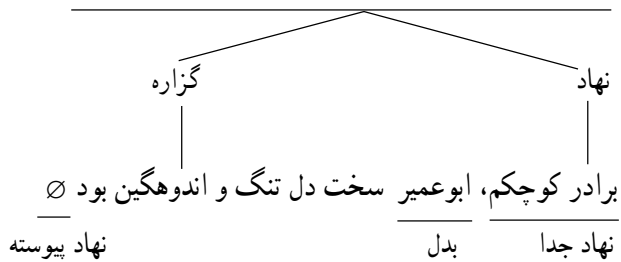
❖ نهاد جدا و پیوسته مطابقت دارند.

روزی رسول اکرم (ص) به خانه‌ی مادرم آمدند.



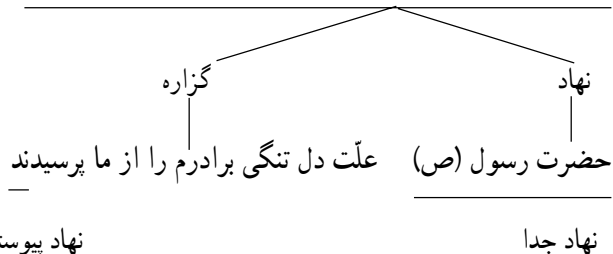
❖ در این جمله، نهاد جدا و پیوسته مطابقت ندارند و علت آن احترام به پیامبر است.

برادر کوچکم ابوعمیر سخت دل تنگ و اندوهگین بود.



❖ نهاد جدا و پیوسته مطابقت دارند.

حضرت رسول (ص) علت دل تنگی برادرم را از ما پرسیدند.



❖ نهاد جدا و پیوسته مطابقت ندارند، علت آن احترام به پیامبر است.

مادر گفت :

گزاره نهاد

گفت ∅

مادر

نهاد پیوسته

نهاد جدا

* نهاد جدا و پیوسته مطابقت دارند.

ابوعمیر پرنده‌ی زیبایی داشت که

گزاره

نهاد

پرنده‌ی زیبایی داشت ∅ که

ابوعمیر

نهاد پیوسته

نهاد جدا

* نهاد جدا و پیوسته مطابقت دارند.

غالباً با آن سرگرم می‌شد

گزاره

نهاد

غالباً با آن سرگرم می‌شد ∅

محدوف (ابوعمیر)

نهاد پیوسته

نهاد جدا

* نهاد جدا و پیوسته مطابقت دارند.

اینک آن پرنده مرده است

گزاره

نهاد

آن پرنده اینک مرده است ☉
 نهاد جدا نهاد پیوسته
 * نهاد جدا و پیوسته مطابقت دارند.

۲- علی و مسعود با هم به دبیرستان رفتند. (نهاد با شناسه مطابقت دارد.)
 ○ بسیاری از انسان‌ها از نظر رنگ و تژاد و زبان با هم اختلاف دارند اما از نظر اصل انسان بودن باهم مشترک هستند (نهاد با شناسه‌ها مطابقت دارد.)
 ○ در قرن چهارم هجری، ملت ایران با تکیه بر زبان و فرهنگ خود درخت تازه اما اصیلی را پروردند که در آب و هوای اسلام پرورش یافته بود. (نهاد با شناسه مطابقت دارد.)
 ○ ملتی که طالب استقلال سیاسی باشد به زبان مادری خود سخن می‌گوید. (نهاد با شناسه مطابقت ندارد چون نهاد اسم جمع است. در این حالت شناسه می‌تواند مفرد یا جمع باشد.)
 ○ ما و فردوسی با وجود هزار سال فاصله‌ی زمانی با زبان پیوندهای مشترک داریم. (مطابقت دارد.)

○ با دیگران چنان رفتار کن که دوست داری دیگران با تو رفتار کنند (مطابقت دارد.)
 ○ کتاب‌ها از دستم رها شد و بر زمین افتاد (مطابقت ندارد زیرا نهاد غیر جاندار است و شناسه می‌تواند مفرد و جمع باشد.)

○ امیر با دوستش جمعه‌ها به کوه‌نوردی می‌رود. (مطابقت دارد.)
 ۳- زبان یک توانایی ذهنی است در حالی که گفتار نمودآوایی این توانایی ذهنی می‌باشد.
 هر گونه خطا و اشتباه در گفتار رخ می‌دهد و به وسیله زبان اصلاح و رفع می‌گردد.
 همه‌ی انسان‌ها حتی افراد کر و لال دارای این توانایی ذهنی (زبان) هستند اما در گفتار باهم فرق دارند، زیرا افراد لال به جای استفاده از نمود آوایی، از نمود حرکتی کمک می‌گیرند.

* خودآزمایی‌های نمونه

۱- در متن زیر، نهاد جدا و پیوسته‌ی جمله‌ها را مشخص کنید و بنویسید و در کدام جمله‌ها، نهاد جدا با پیوسته مطابقت ندارد، دلیل عدم تطابق نهاد را بنویسید.
 پیامبر اسلام و یارانش ۱۳ سال در مکه مورد آزار و شکنجه قریش قرار گرفته، سرانجام ناگزیر به مدینه هجرت کردند. البته کفار و مشرکان مکه پس از هجرت نیز از پای نشستند پیوسته مسلمانان

بی‌دفاع را می‌آزردند، ابوجهل در نامه‌ای خشونت‌آمیز به پیامبر اکرم (ص) اخطار کرد که در انتظار حمله‌ی قریش باشد. بر این اساس پیامبر اکرم (ص) برای حفظ اسلام و خنثی کردن نقشه‌های قریش، اقدام کردند. و برای جنگ آماده شدند و پیامبر اکرم به این اخطار ابوجهل پاسخی دادند که «خداوند یاریگر کسانی است که به جرم یکتاپرستی از شهر و دیار رانده شده‌اند.» پیامبر با شنیدن پیام خداوند بسیار خوشحال گردیدند.

۲- برای جمله‌های زیر، فعل‌هایی با شناسه‌ی مناسب بیاورید. (توجه به رابطه‌ی شناسه با نهاد

ضروری است)

زهرا و مادر با هم به بازار

من با رضا به مدرسه

من و رضا به مدرسه